

بررسی مقایسه‌ای ملاک حلیت و حرمت گوشت «ماهی» از دیدگاه فریقین^(۱)

زهرة عندلیب^(۲)

دکتر علیرضا عسگری^(۳)

دکتر سید محمد مهدی احمدی^(۴)

چکیده

در عصر حاضر به دلیل روند روبه رشد جمعیت و نبودن منابع غذایی کافی در خشکی، دانشمندان متوجه منابع غذایی دریاها شده‌اند؛ این رویکرد، پرسشی را در مقابل مسلمانان قرار داده است بدین صورت که، ملاک حلیت و حرمت گوشت ماهی از دیدگاه فریقین چیست؟ به نظر می‌رسد غالب فقهای شیعه فلس دار بودن را شرط و ملاک حلیت گوشت ماهی می‌دانند و تشخیص این ملاک را برعهده مکلفان گذاشته‌اند. با این حال از آنجا که تشخیص این امر برای مکلفان مشکل و در برخی موارد ناممکن است، لذا مرجع شناسایی آن عرف خاص معرفی شده است. در مقابل نظریه مذکور، فقهای اهل تسنن، گوشت تمام ماهیان را حلال دانسته‌اند و ملاک خاصی را برای حلیت ارائه نکرده‌اند. آنها معتقدند، برای حرمت نیاز به دلیل داریم.

هدف مقاله حاضر این است که با تبیین ادله و بیان اقوال و نظرات فقهای شیعه و سنی به دفاع از اندیشه فلس دار بودن بپردازد. روش تحقیق به صورت تحلیلی و توصیفی است.

یافته پژوهش حاضر این است که فلس دار بودن ماهی، ملاک شایسته و موافق

۱- این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد با نام «احکام صید ماهی از دیدگاه فریقین» بوده که در مرداد ۱۳۹۴ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم دفاع شده است.

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم. (نویسنده مسئول) z.andalieb54@yahoo.com

۳- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم.

۴- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۶/۲۰، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۷/۳۰.

با ادله و اسناد شرعی و نزدیک به صواب است.
کلیدواژه: فریقین، ادله حلیت، ادله حرمت، فلس دار بودن، عرف خاص.

مقدمه

حمد و سپاس خدا را که همه نیازهای بشر را به یمن قدرت و خلقت و انوار وحی خود تمام و کمال معنا بخشیده؛ نعمتش را برای مردمان به اتمام رسانده، و دین مبین اسلام را روشنگر راه و مسیر انسان‌ها قرار داده است تا در لوای عمل به دستورات آن، هیچگاه در عمل متحیر و متعجب نماند.

«دریا» یکی از نعمت‌های خداوند و آیتی برای اهل بصیرت و منبعی سرشار از مواد غذایی برای بهره‌مندی مادی بشریت است.

در قرآن کریم به نعمت دریا، چنین اشاره شده است: «او کسی است که دریا را مسخر شما ساخت تا از آن گوشت تازه بخورید.»^(۱)

با توجه به وجوب شکر نعمات خداوند بر بندگان، یکی از ابعاد شکر، استفاده درست از آنها بر مبنای دستورات شریعت است. به گونه‌ای که از حرام آن دوری کرده و از حلالش آگاهانه و عاقلانه بهره‌مند گردند.

این مقاله فرصتی فراهم آورده تا با بررسی ادله شرعی و اقوال فقهای اسلامی (امامیه و اهل تسنن) ملاک حلیت و حرمت گوشت ماهی را تبیین و از این رهگذر قول نیکو را انتخاب نماییم.

بیان مساله

امروزه به دلیل افزایش جمعیت انسانها بر روی کره زمین، توجه به تأمین نیازهای اساسی آنها به یکی از دغدغه‌های اصلی جوامع بشری تبدیل شده است. در همین راستا دریاها به عنوان یکی از منابع غنی و بسیار مهم تأمین غذای سالم و با طراوت برای انسان‌ها مورد توجه فراوان قرار گرفته‌اند. با لحاظ تحقیقات علمی که بیانگر ارزش غذایی بالا در گوشت انواع ماهی است، این ماده غذایی بیش از گذشته، توجه انسان‌ها را به خود جلب است.

۱- سوره نحل، آیه ۱۴.

نکته حائز اهمیت در این میان، محدودیت استفاده از محصولات دریایی در منابع فقهی و روایی است. همین امر سؤالاتی را در این زمینه ایجاد کرده که دستیابی به پاسخ آنها ضروری است. مقاله حاضر بر آن است تا ضمن بیان اقوال و نظرات و دیدگاه‌های فقهای اسلامی (امامیه و اهل تسنن) پیرامون ملاک حلیت و حرمت گوشت ماهی، قولی که موافقت بیشتری با ادله و اسناد شرعی دارد را ارائه نماید.

سؤال اصلی:

ملاک حلیت و حرمت گوشت انواع ماهی چیست؟

سؤالات فرعی:

۱. دلالت آیات و روایات در خصوص ملاک بودن فلس و انحصار آن در حلیت و حرمت چیست؟
۲. منوط بودن حلیت ماهی به جان دادن آن در خشکی چگونه است؟
۳. مرجع شناسایی فلس دار بودن ماهی کیست؛ عرف عام یا عرف خاص (کارشناس)؟

بخش اول: بررسی اسناد و ادله شرعی دیدگاه امامیه

با نگاهی اجمالی به کتب فقهی در می‌یابیم که تمام فقها در کتب فقهی خود، موضوع استفاده از گوشت حیوانات دریایی را به صورت گسترده و یا به صورت مجمل متعرض شده‌اند.

حال سؤال این است: ملاک حلیت و حرمت آبزیان، بخصوص ماهی چیست. قبل از پرداختن به جواب این سؤال، بیان این نکته ضروری است که به دست آوردن ملاک و معیار حلیت و حرمت در منابع اسلامی بر دو گونه است:

- ۱- گاه آیه یا روایت از شیء حلال یا حرام، با عنوان خاص آن یاد کرده و فرموده که فلان چیز حلال است و فلان چیز، حرام؛ مانند این آیه شریفه که می‌فرماید: ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَكَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ...﴾ (مائده، ۳)

«بر شما مردار و خون و گوشت خوک و... حرام شده است».

در چنین مواردی، وظیفه مکلف در مقابل این عناوین کاملاً مشخص است؛ از حلال، استفاده می‌کند و از حرام، اجتناب می‌ورزد.

۲- درباره برخی از حلال‌ها و حرام‌ها، تحت یک عنوان کلی و بر اساس یک یا چند معیار شرعی به حلیت یا حرمت آنها حکم می‌شود و در هیچ آیه یا روایتی، بیانی از آنها با عنوان خاصشان به میان نمی‌آید. در چنین مواردی، تطبیق عنوان کلی بر مصادیق حلال یا حرام به عهده خود مکلف است.

با بیان این دو مقدمه، باید اذعان داشت که در رابطه با حکم حلیت یا حرمت گوشت انواع ماهیان نیز مسأله از قبیل نوع دوم است؛ یعنی فقها فقط قاعده و ملاک کلی حلیت یا حرمت آنها را بیان کرده‌اند و شناخت مصادیقشان را به مکلفان وانهاده‌اند.

اکثر فقهای عامه قایل به حلیت گوشت تمام آبزیان هستند. اما عده‌ای از فقهای شیعه قایل به حلیت گوشت تمام ماهیان بوده و گروهی دیگر شرایطی را برای حلیت گوشت ماهیان مطرح کرده‌اند، با این همه، از محدث بزرگ، مرحوم شیخ صدوق رحمته الله تا امام خمینی رحمته الله همگی، آن دسته از ماهیانی را که دارای پولک باشند، قابل خوردن دانسته و حلال می‌شمارند.

جناب شیخ صدوق آورده است: «از صید دریا فقط آن دسته از ماهیانی که دارای پولک باشند، قابل خوردن هستند و ماهیان بدون پولک را نباید خورد.» (شیخ صدوق، ۱۴۱۵، المقنع، ج ۲۱، ص ۱۵)

بنابراین حلال بودن گوشت ماهیان و جانداران دریایی، تابع دو شرط اساسی است:

الف) از جهت شکل و اندام فیزیکی از خانواده ماهیان باشد.

ب) بر روی بدن آنها، فلس (پولک) وجود داشته باشد.

بدون تردید یکی از مستندات فقهی اثبات حلیت و حرمت گوشت ماهی، آیات قرآن کریم است، البته در آیات قرآن به صراحت در باره این ملاک بحث نشده است، بلکه به صورت کلی و به اطلاق و عموم، حکم به حلیت آبزیان می‌شود، و در واقع روایات شرط حلیت آبزیان را مورد بررسی قرار داده است. در قرآن مجید ضمن آیات متعددی از دریاها و اهمیت حیاتی آنها سخن به میان آمده است که در

این جا به ذکر چند نمونه و نحوه استدلال به آنها اشاره می‌شود:

الف: سوره بقره:

﴿ إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ... ﴾ (بقره،

(۱۷۳)

ترجمه: «خداوند، تنها (گوشت) مردار، خون، گوشت خوک و آنچه را نام غیر خدا به هنگام ذبح بر آن گفته شود، حرام کرده است...»
در برخی از کتب آیات الاحکام نیز به این مطلب اشاره شده است که عبارت «ما اهل لغیر الله، ذبح‌هایی که بدون نام خداوند، کشته شده‌اند را، نیز در بر می‌گیرد.» (حلی، ۱۴۲۵، کنز‌العرفان، ج ۲، ص ۳۰۱؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، مسالک الأفهام، ج ۴، ص ۱۴۱).

امروزه در اکثر کشورها، گوشت حلال موجود است، و در صورت نبود گوشت‌های حلال باید از گوشت‌هایی استفاده کرد که نیاز به ذبح ندارند؛ مانند انواع ماهی‌ها.

ب: سوره اعراف:

﴿... وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ... ﴾ (اعراف، ۱۵۷)

ترجمه: «... پاکیزه را برای آنها حلال می‌شمرد، و ناپاکیها را تحریم می‌کند...»
در این آیه دو قید (حلال) و (طیب) آمده است. حلال چیزی است که ممنوعیت نداشته باشد، و طیب به چیزهای پاکیزه گفته می‌شود که موافق طبع سالم انسانی است، نقطه مقابل خبیث که طبع آدمی از آن تنفر دارد. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ذیل آیه)

آیات سوره بقره و آیه سوره اعراف، به اطلاق دلالت دارند که ماهی پولک دار، حلال گوشت است، زیرا ماهی پولک‌دار مصداق برای میتة و خون و سایر مواردی که در آیه اول حرام شده و نیز مصداق خبائث که در آیه ۱۵۷ سوره اعراف که حرام شده، نیست. بلکه مصداق طیبات است و طیبات نیز بر طبق آیات بسیار از قرآن کریم، حلال شمرده شده است. از جمله آیه ۱۶۸ سوره مبارکه بقره که می‌فرماید:
﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ

عَدُوٌّ مُبِينٌ

«ای مردم! از آن چه در زمین است؛ حلال و پاکیزه بخورید...»

پ: سوره مائده:

﴿أَحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ وَ...﴾ (مائده، ۹۶)

ترجمه: «صید دریا و طعام آن برای شما و کاروانیان حلال است؛ تا از آن

برخوردار شوید...»

در این آیه مقصود از حلّیت طعام دریا، حلّیت خوردن آن است.

در ذیل این آیه شریفه در آیات الاحکام چنین آمده است: «در صید بحر، یعنی حیوانی که جز در آب نمی تواند زندگی کند، اختلاف است؛ شافعی و مالک به استناد آیه و حدیث «هو الطهور ماؤه والحل میته» آنچه را در آب زندگی می کند، حلال دانسته، برخی دیگر ماهی و آنچه را در خشکی نظیری دارد؛ حلال دانسته، ابوحنیفه فقط ماهی را حلال دانسته و در مذهب شیعه، فقط ماهی که دارای «فلس» باشد، حلال است...» (خراسانی، ۱۴۱۷، ادوار فقه (شهابی) ج ۲، ص ۶۲)

از این آیه و هم از آیه اول استفتائات دیگر هم از لحاظ احکام فقهی راجع به صید شده است. برای نمونه در استفتائات از امام خمینی علیه السلام در مسأله ۲۶۱۵ می خوانیم: «اگر ماهی فلس دار را زنده از آب بگیرند و بیرون آب جان دهد، پاک و خوردن آن حلال است... و ماهی بی فلس را اگرچه زنده از آب بگیرند و بیرون آب جان دهد، حرام است» (امام خمینی، ۱۴۲۲، استفتائات، ج ۱، ص ۲۱) در حالی که در سوره مائده آیه ۹۶ می خوانیم: ﴿أَحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَكُمْ﴾

ت: سوره نحل:

﴿وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِيَتَّكِلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَ...﴾ (نحل، ۱۴)

ترجمه: «او کسی است که دریا را مسخر (شما) ساخت تا از آن گوشت تازه

بخورید؛...»

در این آیه مقصود از خوردن گوشت تازه از دریا، خوردن گوشت ماهی است که

از دریا صید می شود. بنابراین، آیه بر حلّیت خوردن ماهی دلالت دارد.

د: سوره فاطر:

﴿... تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَ...﴾ (فاطر، ۱۲)

ترجمه: «...از هر دو گوشت تازه می‌خورید...»
 این آیه به حلیت ماهیان موجود در دریاهاى آب شیرین و شور اشاره و از این نعمت الهی با عنوان «لحماً طریاً» یاد کرده است.
 برخی فقها در این باره گفته‌اند: «از این دو آیه، مباح بودن مطلق ماهی‌ها که از دریا صید می‌شود، استفاده شده است.» (خراسانی، ۱۴۱۷، ادوار فقه (شهابی)، ج ۲، ص ۶۵)

همچنین در کتاب تفسیر شاهی چنین می‌خوانیم:
 «... و مؤید این معنی است، قول خدای تعالی وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا (النحل، ۱۴). یعنی خدای تعالی آنچه‌ای است که مسخر و منتفع به شما گردانیده است دریا را تا بخورید از آن گوشت تازه. و مخفی نماند که این دو آیت و نظایر ایشان دلالت می‌کند بر حلیت گوشت ماهی، لیکن به شرایط معتبر.» (جرجانی، ۱۴۰۴، تفسیر شاهی، ج ۲، ص ۵۴۱)

ر: سوره جاثیه:

﴿اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (جاثیه، ۱۲)

ترجمه: «خداوند کسی است که دریا را مسخر شما کرد تا کشتی‌ها به فرمانش در آن حرکت کنند و از فضل او بهره‌گیرید...»
 به نظر می‌رسد، معنای جمله «ولتبتغوا من فضله» این است که خدای تعالی دریاها را این چنین رام کرد تا شما عطیه او را طلب کنید یعنی با سفرهای دریایی، رزق خود را که «لحماً طریاً» یکی از مصادیق آن است، به دست آورید.

ز: سوره اسراء:

﴿... وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ...﴾ (اسراء، ۷۰)

ترجمه: «... و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم...»
 در کتب آیات الاحکام چنین آمده است: «این دلالتی است بر جواز رکوب دریا برای تجارت و غیر آن، از انتفاعات از پرندگان و ماهیان، پس چنانکه به حکم عقل مباح است به حکم شرع هم تا حرمت آن ثابت نشود، مباح است.» (ادوار فقه (شهابی) ج ۲، ص ۲۰۴)

نکته مهم اینکه در آیات قرآن مجید به صراحت شرط پولک‌دار بودن ماهی برای حلیت آن مطرح نشده است و آیات الاحکام قرآن مجید در این مورد، کلی و اجمالی است و تفصیل و تفسیر آن به پیامبر و ائمه اطهار صلوات الله علیهم واگذار گردیده است. یعنی با استفاده از روایات ایشان می‌توان کیفیت حلال و حرام بودن حیوانات دریایی را معلوم کرد.

بررسی روایات:

در این قسمت ضمن بررسی احادیث ائمه علیهم‌السلام به تشریح دو شرط اساسی که ملاک حلال بودن ماهی از دیدگاه فقهای امامیه است، می‌پردازیم:

الف: ماهی بودن:

۱ - عمّار ساباطی از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که از حضرت در خصوص استفاده از گوشت ریثا (نوعی ماهی کوچک) سؤال شد و حضرت در پاسخ فرمود: ای عمار، ماهی ریثا را نخورید؛ زیرا ما آن را ماهی نمی‌دانیم. (حر عاملی، ۱۴۰۹، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۴۰۸، ح ۴)

۲ - یونس بن عبدالرحمن می‌گوید: از حضرت کاظم علیه‌السلام سؤال کردم. جانم فدایت راجع به خوردن گوشت میگو چه می‌فرمایید؟ حضرت فرمود: اشکالی ندارد، میگو از خانواده ماهیان است. (همان، ح ۵)

۳ - از امام صادق علیه‌السلام در خصوص خوردن میگو سؤال شد، حضرت فرمود: میگو را بخورید؛ زیرا از جنس ماهیان است. آنگاه حضرت اضافه فرمود: آیا نمی‌بینی که وی در داخل پوستش حرکت می‌کند. (همان، ح ۱۰)

بنابراین، از روایات ذکر شده و برخی دیگر از روایات استفاده می‌شود که یکی از شرایط اساسی در حلال بودن گوشت ماهی، همان ماهی بودن آن است.

ب: وجود پولک در ماهی:

از برخی روایات، دومین شرط حلال بودن ماهی (وجود پولک در بدن ماهی) استفاده می‌شود:

۱ - محمد بن مسلم از امام باقر علیه‌السلام سؤال کرد، ای پسر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای ما یک نوع ماهی آورده‌اند که پولک ندارد، حکمش چگونه است؟ حضرت فرمود: «آن

دسته از ماهیانی که پولک دارند، بخورید (حلال است) و آن که پولک ندارد، نخورید.» (همانجا، ج ۱۶، ص ۳۹۷، ح ۱)

۲- حماد بن عثمان از امام صادق علیه السلام پرسید: از ماهی‌ها کدام را بخوریم. امام صادق علیه السلام فرمود: «از ماهی‌ای که پولک دارد، بخورید.» (همانجا، ص ۳۳۰)

۳- از عبدالله بن سنان، از امام صادق علیه السلام نقل شده است که حضرت فرمود: «امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در کوفه (زمان خلاف ظاهری خود) سوار بر استر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شد و زمانی که از بازار ماهی‌فروشان می‌گذشت، می‌فرمود: آن نوع از ماهیانی را که دارای پولک نیستند، نخورید و نفروشید.» (همانجا، ح ۴)

۴- حنان بن سدیر نقل می‌کند که علاء بن کامل، از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: من جری (نوعی مار ماهی) آورده‌ام، حکم آن چیست. در حالی که در کتاب حضرت علی علیه السلام آمده است که هر نوع از این ماهی حرام است و از آن اجتناب کنید. امام فرمودند: «این ماهی پولک ندارد، از آن اجتناب کنید.» (همانجا، ح ۵)

۵- عمر بن حنظله می‌گوید: در باره میگو از امام پرسیدم، امام صادق علیه السلام فرمودند: «از آن بخورید. نیز فرمودند: آن دارای فلس است.» (همانجا، ص ۳۳۷، ب ۱۲، ح ۱)

۶- حنان بن سدیر نقل می‌کند که در محضر امام صادق علیه السلام بودم که شخصی به نام فیض بن مختار مقداری میگو خدمت حضرتش آورد و در رابطه با حلال بودن آن سؤال کرد. حضرت در پاسخ وی فرمود: «این میگو دارای پولک است»، و آن حضرت خود آن را تناول فرمود و ما همه ناظر بر تناول کردن حضرت بودیم. (همانجا، ص ۳۳۷، ب ۱۲، ح ۲).

درباره واژه فلس که ملاک و معیار حلیت ماهیان است، باید گفت که، در هیچ یک از روایات صحیحه، واژه (فلس) به کار نرفته و آنچه در روایات مشهود است، کاربرد واژه (قشر) می‌باشد، با این حال چند روایت ضعیف واژه (فلس) را به کار برده‌اند، اما در مقابل، کاربرد واژه (قشر) سه برابر واژه (فلس) است؛ البته کاربرد واژه (فلس) در واقع به معنای همان (قشر) است، چنانکه در پاره‌ای از نوشته‌های فقهی به گونه روشن واژه (قشر) را به (فلس) تفسیر و معنی کرده‌اند. (حلی، ۱۴۱۱، السرائر، ج ۳، ص ۹۸؛ نراقی، ۱۴۱۵، مستند الشیعه، ج ۱۵، ص ۶۲) درباره تعریف و

معنای واژه (قشر) در متون روایی، چیزی دیده نمی‌شود، جز این که در صحیح زراره، (حرعاملی، ۱۴۰۹، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۳۴ و ۳۳۵، ب ۹، ح ۱۹) واژه (قشر) به: (مثل الورق) تفسیر شده است. و در روایت ابی سعید خدری (همانجا، ص ۳۱۵، ب ۲، ح ۹) نیز در ضمن عبارت: (ومع القشر فلوس)، (قشر) غیر از (فلس) دانسته شده است که ضعف سندی روایت اخیر و وجود احتمال ذکر شده درباره روایت نخست، از اعتماد به آن تفسیرها می‌کاهد.

بنابراین شناخت درست این بخش از روایات، خود به شناخت و دریافت معنای واژه (قشر) بستگی دارد و در زبان تازی، به هر ملبوس، جزء خارجی و سطحی شیء و همچنین به پوست سبتر (قشر) گفته می‌شود. (ابن منظور، ۱۴۰۵، لسان العرب، ج ۵، ص ۹۳ و ۹۴) به جهت همین معنای اخیر است که امروزه در زبان تازی، سخت پوستان را (القشریات) می‌خوانند. (معلوف، ۱۹۸۲، المنجد، ص ۶۳۰)

با این حال اگر چه می‌توان (فلس) را یکی از مصادیق (قشر) به شمار آورد، لیک اختصاص تفسیر و معنای واژه (قشر) به (فلس) سخنی است، نادرست. برای این سخن می‌توان مرسله محمد بن جمهور (حرعاملی، ۱۴۰۹، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۳۹، ب ۱۲، ح ۱۰) را نیز مؤید آورد؛ چه این که (با توجه به پولک نداشتن میگوها) در این روایت در ادامه پاسخ معصوم به پرسش درباره میگو (اربیان) آمده است: (اما تراها تقلقل فی قشرها) و (تقلقل) در لغت به معنای برآمدگی و بلندی خارجی پوست است. (المعجم الوسیط، ج ۲، ص ۷۵۶) البته در پاره‌ای از متون، در شرح ذیل این روایت، واژه (تقلقل) به صدایی که هنگام حرکت و تکان خوردن پدید می‌آید، تفسیر شده است. (مجلسی، ۱۴۱۰، بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۱۱، ح ۵) که درست نیست.

با دقت در روایات ذکر شده که همگی از روایات صحیح و مورد استناد تمام فقها هستند، چند مطلب حائز اهمیت را در می‌یابیم:

۱- از بین آبزیان، صرفاً ماهی با وجود شرایط، حلال گوشت است و بقیه آبزیان به طور کلی حرام‌اند.

۲- ملاک در حلیت گوشت ماهی، وجود پولک بر روی پوست آن است و

روایات بر این معنا تأکید دارد.

۳- در هیچ یک از روایات به خصوصیت پولک از جهت شکل، حجم و نوع در بدن ماهی اشاره نشده و فقط به وجود پولک به عنوان ملاک حلیت اکتفا شده است.

۴- در هیچ یک از روایات درباره کمیت پولک سخنی به میان نیامده است، از همین رو می‌توان این حکم را با اطمینان به دست آورد که اگر چند پولک در کل بدن ماهی وجود داشته باشد، کافی است، و می‌توان به چنین ماهی‌ای، پولک‌دار اطلاق کرد.

۵- در روایات، بیان نشده است که ماهی در زمان صید باید پولک داشته باشد. بنابراین و همچنین بنا بر نظر کارشناسان می‌توان گفت که وجود ماهیانی که دارای چنین خصوصیتی باشند، مسلم است.

آنچه از روایات به دست می‌آید، این است که، پولک در بدن ماهی به طور یقین قطعی وجود داشته باشد، ولو این که مدت کوتاهی باشد و بعد به هر علتی پولک‌ها از بین رفته باشند. برای اثبات این مطلب به روایتی از امام صادق علیه السلام استناد می‌کنیم:

حماد بن عثمان می‌گوید: «راجع به حلال بودن ماهی سؤال کردم، حضرت فرمود: «آن ماهی که دارای پولک است، حلال است.» بعد از حضرت در خصوص ماهی کنعت پرسیدم، حضرت در پاسخ فرمود: «خوردن این ماهی (کنعت) اشکالی ندارد.» آنگاه حماد می‌گوید که این ماهی پولک ندارد. حضرت می‌فرماید: بلی (اکنون پولک ندارد). لیکن چون عصبانی است و خود رابه هر چیزی می‌زند (پولک‌هایش می‌ریزد) و اگر بر پشت گوش او با دقت نگاهی کنی، پولک را خواهی دید.» یعنی وجود چند قطعه پولک دلیل بر پولک‌دار بودن آن ماهی است.

بنابراین مشهور فقهای امامیه، روایی ماهیان را در پولک‌دار بودن آنها می‌دانند، در واقع همه ماهیان دارای پولک (فلس) را حلال می‌شمارند، مگر دلیلی خاص برای استنفاده نکردن از آنها وجود داشته باشد؛ مانند: ماهیان سمی و ماهیان فاقد پولک که آنها را حرام محسوب می‌کنند.

ادله فقهای امامیه که به آن استناد می‌کنند؛ عبارت‌اند از: آیات قرآن کریم، روایات واجماع که ارائه شده از سوی اینان، گاه به صورت اجماع مسلمانان

بر روایی ماهیان پولک‌دار (حائری، ۱۴۱۸، ریاض المسائل، ج ۲، ص ۲۷۹؛ نراقی، ۱۴۱۵، مستندالشیعه، ج ۱۵، ص ۹۶) و گاه به صورت اجماع و اتفاق بر ناروایی ماهیان بدون پولک بیان شده است. (حائری، ۱۴۱۸، ریاض المسائل، ج ۲، ص ۲۸۰؛ نجفی، ۱۴۰۴، جواهرالکلام، ج ۳۶، ص ۲۵۰)

در این که همه، فقیهان بر این اصل متفق‌اند که ماهیان دارای پولک، حلال هستند، تردیدی نیست. تنها سخن در این است: آیا حلال بودن ماهیان به جهت پولک آنها است یا چنین معیاری در روایی ماهیان در نظر گرفته نشده است. بنابراین، سخن درباره اجماعی خواهد بود که برای حرام بودن ماهیان بدون پولک، بیان شده است. گویا چنین اجماعی که از قرن دهم به متون فقهی راه یافته، ثابت نشده است. این اجماع، مخالفانی همچون: قاضی عبدالعزیز بن براج (سبزواری، ۱۳۹۶، المذهب الاحکام، ج ۲، ص ۴۳۸ و ۴۳۹) شیخ طوسی، در پاره‌ای از کتاب‌های خود، (طوسی، ۱۴۰۷، تهذیب، ج ۹، ص ۵؛ طوسی، ۱۳۹۰، استبصار، ج ۴، ص ۵۹؛ طوسی، ۱۴۰۰، نهاییه، ج ۴؟؟، ص ۵۷۶) و محقق حلی (حلی، ۱۴۰۷، مختصر النافع، ج ۲، ص ۲۵۱؛ حلی، ۱۴۰۸، شرایع الاسلام، ج ۳، ص ۲۱۷) دارد. اینان، برخی از ماهیانی را که سخن از پولک‌دار نبودن آنها می‌رود، حرام ندانسته و حکم به کراهت داده‌اند. از طرفی در دانش اصول ثابت شده است که اجماع منقول و مدرکی اعتبار ندارد و حجت نیست. البته شماری از فقیهان، گام را فراتر نهاده و حرام بودن این ماهیان را از مسائل روشن مذهب امامیه می‌دانند؛ حال آنکه این سخنی نادرست است، چراکه در این صورت باید فقها در آن مسأله به طور کامل اتفاق نظر داشته باشند؛ و حال آن که در این مسأله با وجود اختلاف و دو دلی شماری از بزرگ‌ترین فقیهان، از جمله: قاضی ابن براج، محقق حلی، شهید ثانی، مقدس اردبیلی و... چگونه می‌توان چنین ادعایی را ارائه کرد؟ لذا عده‌ای از فقهای امامیه قایل به حلیت گوشت تمام ماهیان هستند.

بخش دوم: بررسی اسناد و ادله شرعی دیدگاه اهل تسنن

همه فقیهان اهل سنت در این مسأله اتفاق نظر دارند که خوردن هر نوع ماهی حلال است و شرط اساسی حلال بودن آبزیان این است که صرفاً از خانواده ماهیان

باشند. بنابراین، وجود پولک در ماهی، به هیچ وجه، ملاک و شرط حلال بودن نیست و هیچ یک از رهبران مذاهب اربعه متعرض شرطیت پولک نشده‌اند. (الجزیری، ۱۴۲۶، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۲، ص ۵).

حتی برخی از علمای اهل سنت، خوردن تمام حیوانات دریایی را به جز چند نوع آن، جایز و مباح می‌دانند؛ هر چند که برخی از پیشوایانشان، خوردن تعدادی از حیوانات آبی را جایز نمی‌دانند. (همانجا)

نظرات سران مذاهب چهارگانه اهل سنت:

۱ - حنیفه: خوردن آبزیانی که به شکل ماهی نیستند، حلال نیست. بنابراین، خوردن خنزیر و اسب دریایی و مانند آن حلال نیست، مگر جریث و مارماهی که حلال است و نیز تمام انواع ماهی حلال است؛ مگر ماهی طافی که عبارت است از ماهی‌ای که در آب خفه شده و روی آب قرار گرفته، در حالی که پشت آن به طرف آب و شکمش به طرف آسمان است.

۲ - مالکیه: خوردن تمام حیوانات آبی حلال است و چیزی از آنها حرام نشده است.

۳ - شافعیه: خوردن آبزیانی که در دریا زندگی می‌کنند، گرچه به شکل ماهی نباشند، حلال است. هر چند به شکل خنزیر و آدم باشند. همان‌گونه که خوردن جریث که ماهی است و به شکل رویاه است حلال است و نیز دیگر انواع ماهی‌ها به جز تمساح حلال گوشت‌اند.

۴ - حنبلی‌ها: آنها همان نظر شافعی را دارند، با این تفاوت که مارماهی را حرام گوشت می‌دانند. (همانجا)

ملاحظه می‌فرمایید، افزون بر این که نظرات فقیهان اهل سنت با آرای فقیهان امامیه تفاوت زیادی دارد، میان مذاهب چهارگانه آنان نیز اختلاف است، ولی نقطه مشترک همه آنها، حلیت تمام ماهیان غیر از مارماهی است.

مرجع شناسایی پولک در ماهیان

در هیچ یک از نوشته‌های فقهی به این سخن که چه مرجع و منبعی عهده‌شناسایی پولک است، اشاره‌ای نشده است. اگر سخن مشهور درباره معیار

قرار دادن پولک (فلس) برای حلال بودن ماهیان مورد پذیرش باشد، طبیعی خواهد بود، پرسیده شود: چه منبع و مرجعی عهده‌دار شناسایی پولک در ماهیان و شناساندن ماهیان پولک‌دار و ماهیان بدون پولک است.

مرجع شناسایی، عرف عام است، یا خاص (کارشناسی)؟

نظر فقیهان و مجتهدان درباره موضوعاتی که شناخت آنها به عهده عرف (خاص و عام) است؛ اگر خود کارشناس مقوله مورد نظر نباشد، گرچه از عرف شمرده می‌شود، غیر در خور اعتماد، ناپذیرفتنی و متهم است. این سخنی است که از دیرباز فقیهان به روشنی آن را بیان کرده‌اند. (شهید ثانی، ۱۴۱۰، الروضه البهیة، ج ۲، ص ۶۲)

نظر عرف عام در شناسایی و تأیید ماهیان پولک‌دار، نه ماهیان بدون پولک، بی‌گمان مورد پذیرش است، اما سخن، بیشتر درباره مواردی است که عرف از بازشناسی ناتوان بوده و یا نظر آن به خاطر نبود دانش درست و کافی و یا به دلیل تسامح عرفی، با نظر کارشناسان، بویژه در تعیین ماهیان بدون پولک، اختلاف دارد، آیا در چنین مواردی، باید به عرف عام رجوع شود و نظر آن همچنان معیار قرار گیرد.

روشن است که شناخت درست پولک و ماهیان دارای پولک، بویژه ماهیان پولک از گزاره‌های تخصصی است که بدون دانش لازم، هرگز نمی‌توان به آن دست یافت. نگاهی گرچه گذرا بر نوشته‌های ماهی‌شناسی، به روشنی بر این سخن گواه است. شاید چون در زمان حضور امامان علیهم‌السلام همواره درباره بخشی از ماهیان خاص از ایشان پرسش می‌شده، نام آنها در متون روایی راه یافته است.

بررسی متون روایی، بر این سخن که معیار، نظر کارشناسی (عرف خاص) است و نه عرف عام، گواهی می‌دهد؛ چه اینکه در بسیاری از روایات، واژه (قشر) به گونه مطلق به کار رفته است و این اطلاق گونه‌های گوناگون پولک، مقدار زمانِ دارا بودن پولک، از یک لحظه تا همه عمر، چگونگی قرار گرفتن پولک در پوست و بدن ماهی و نیز شمار این پولک‌ها از یک عدد تا پوشیده شدن همه بدن را دربر می‌گیرد. حال این که عرف عام به جهت تسامح عرفی، تنها به پولک‌دار بودن ماهیانی حکم می‌کند که دارای شمار در خور توجهی پولک بوده و یا چگونگی قرار گرفتن و نیز

جنس پولک برابر با موارد مورد پذیرش و ذوق آن باشد. در غیر این صورت، ماهی را بدون پولک می‌داند، هرچند اگر در واقع این ماهی از ماهیان پولک‌دار باشد. روشن است که این تسامح، ناسازگار با اطلاق موجود در روایات است.

گواه دیگر بر این سخن، صحیح‌ه حماد بن عثمان (حر عاملی، ۱۴۰۹، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۳۶، ب ۱۰، ح ۱) و روایت صالح بن سندی (همان مدرک، ح ۲) است؛ چه این که وجود پولک (قشر) تنها و تنها در کنار گوش ماهی در (صحیح‌ه حماد بن عثمان) و دارا بودن پولک‌های ریزنده، گرچه در زمان بسیار کوتاه در (روایت صالح بن سندی) برای حلال بودن ماهی، کافی دانسته شده است.

به دیگر سخن، معصوم ع در این دو روایت، برای حلال بودن ماهی، نظر کارشناسی (عرف خاص) را مورد توجه قرار داده است، نه نظر توده مردم (عرف عام) را، زیرا بی‌گمان عرف در چنین مواردی به پولک‌دار نبودن و جایز نبودن خوردن حکم می‌کند، چنانکه لحن پرسش در هر دو روایت به این نظر عرف اشاره دارد.

کارشناسی پولک و ماهیان دارای پولک

واضح است که شناخت درست موضوع در به دست آوردن حکم اهمیتی شایان دارد. این مهم، ما را بر آن داشته تا در این بخش، به موضوع شناسی این مسأله بپردازیم:

ماهیان، که تاکنون بیش از بیست و یک هزار گونه آن شناخته شده‌اند، قدیمی‌ترین مهره‌دارانی هستند که حدود پانصد میلیون سال پیش از جانوران ساده‌تر تکامل یافته‌اند.

ماهیان به سه گروه زیر دسته‌بندی می‌شوند:

ماهیان غضروفی:

این ماهیان، راسته (دهان‌گردماهی شکلان) را سامان می‌دهند. دهان گردماهیان از ابتدایی‌ترین ماهیان و پست‌ترین مهره‌داران شناخته شده، به شمار می‌روند که دارای اسکلت غضروفی و دهان‌گرد و قیفی‌ماننداند و به همین جهت، به دهان‌گردماهیان مشهوراند. (ماهیان آب شیرین، ص ۱۰۰، به نقل از فرهنگ

جهاد) دهان گردماهی شکلان به دو گونه زیر بخش پذیرند:
 هاگ فیشها (عجوزه ماهیان) که بدنی کوچک، کرمی شکل، نرم، لزج و زندگی انگلی دارند.

لامپریها (دهان گرد مارماهی ها) که بدنی ماری شکل، نرم و لزج دارند و هنگام شنا، به صورت موج حرکت می کنند. بخشی از این ماهیان نیز، زندگی انگلی دارند. نکته در خور توجه درباره این نوع ماهیان این است که نباید به جهت وجود پاره ای همانندیها، این ماهیان را با مار ماهیان درهم آمیخت و یکی دانست، هر چند که گاه به نادرست آنان را مارماهی می خوانند!
 ماهیان غضروفی استخوانی (کرجنی): (ماهیان آب شیرین، ص ۱۰۷، به نقل از فرهنگ جهاد)

این ماهیان از زیر راسته ماهیان استخوانی و دربرگیرنده ماهیان خاویاری (تاس ماهیان و فیل ماهیان)، سفره ماهیان، ازه ماهیان، کوسه ماهیان، ماهی شیمرا و... هستند.

ماهیان استخوانی:

این نوع ماهیان که گاه از آنها به عنوان ماهیان استخوانی حقیقی نام برده می شود، بیش ترین گروه ماهیان آب شیرین و آب گرم، همچون آزاد ماهیان، شگ ماهیان، کپور ماهیان، گربه ماهیان، مارماهیان، کفال ماهیان، سوف ماهیان، گاو ماهیان، سوزن ماهیان، سفید ماهیان، اردک ماهیان و... را در بر می گیرند. ویژگی ماهیان استخوانی:

۱- پوست و رنگ بدن

پوست ماهیان بیشتر ظریف، نازک و از دو لایه تشکیل یافته است.
 لایه رویین یا روی پوست با محیط خارج در تماس است.

۲- لایه زیرین یا زیرپوست

پوست ماهیان، برهنه و نرم و یا شامل قطعات استخوانی، پولکها و دان دانه‌های پوستی است. (همان مدرک، ص ۱۳) رنگ بدن ماهیان، مربوط به سلولهای (رنگی رکروماتوفور) است. این سلولها رنگ دانه‌های مختلف: سیاه، زرد، نارنجی و قرمز دارند. رنگهای دیگر که در بدن ماهیان دیده می شوند از ترکیب رنگهای

یاد شده به وجود می‌آیند. (همان مدرک، ص ۱۷)

۳- پولک

بدن بیشتر ماهیان، از پولک (فلس) پوشیده شده است. پولک‌ها از ماده شاخی یا استخوانی هستند. برخی از آنها با یک لایه نازک بسیار سخت به نام مینا تشکیل شده‌اند. پولک‌ها نازک و بیشتر نیم‌نیمه روی هم قرار می‌گیرند. پولک‌ها در مارماهی جدا و بسیار کوچک، و در برخی ماهیان پهن کوچک و تکمه مانند و در خارپشت ماهیان یا ماهیان خاردار، به شکل خارهای باریک است. پولک‌هایی که در تارپون روی هم قرار می‌گیرند، پهنای آنها پنج سانتی‌متر است. (جانورشناسی عمومی مهره‌داران، ج ۴، ص ۷۰، به نقل از فرهنگ جهاد)

سر برخی از ماهیان بدون پولک است، پولک‌ها در برخی از ماهیان، در تمام سر و بدن و یا بدن در کنار یکدیگر و به صورت نیم‌نیمه بر روی هم قرار گرفته‌اند. و در برخی دیگر، به صورت پراکنده و در گروهی نیز تنها در بخشی از بدن و یا به صورت خطی کشیده دیده می‌شوند. سر و بدن برخی از ماهیان، اعم از زنده و سنگواره (فسیل)، از پولک‌های ستبر بزرگ به صورت تکه‌های زره مانند، همچون کیل و مهره‌های استخوانی، پوشیده است. مانند تنه ماهی‌ها.

ماهیان پولک‌دار

ماهیان غضروفی

بدن و دهان گرد ماهیان بی‌پولک، برهنه پوست و از ماده لزج فراوان پوشیده شده است.

ماهیان غضروفی - استخوانی

۱- ماهیان خاویاری: درازای بدون تاس ماهیان (تاس ماهی، فیل ماهی) از پنج ردیف زائده‌های برجسته یا مهره‌های سخت استخوانی پوشیده شده و در قسمت بالایی، باله دمی دارای شماری پولک از گونه پولک‌های لوزوی و درکناره بالایی این باله ردیف‌های متغیر پولک‌های مثلثی شکل قرار دارد. (ماهیان آب شیرین، ص ۱۰۷، به نقل از فرهنگ جهاد)

آنچه از پاره‌ای سنگواره‌های برجای مانده از این گونه ماهیان، که امروزه از بین

رفته‌اند به دست می‌آید، وجود پولک‌های لوزوی و یا پولک‌های سیکلوئیدی گانوئیدی را بر روی تمام بدن گواهی می‌دهد. در برخی نیز پولک‌ها رشد نکرده و تنها در بخشی از قسمتهای بدن پراکنده است و یا به صورت نوار بر روی نیمه بالایی باله دمی دیده می‌شود، به گونه‌ای که در نگاه نخست، چنین به نظر می‌رسد که این ماهیان بدون پولک و به کلی برهنه پوست هستند. (ماهی شناسی و شیلات، ج ۱، ص ۱۸۵ و ۱۸۶، به نقل از فرهنگ جهاد)

پولک لوزوی (گانوئیدی) که بدن اجداد تاس ماهیان (ماهیان خاویاری) از آن پوشیده شده بود، در بدن تاس ماهیان کنونی به کلی از بین رفته است و تنها در هلال بالایی باله دم، نوار پولک لوزوی شکل به جای مانده است. این پولک‌های اصلی و اساسی از بقایای پولک‌هایی است که در دوران گذشته، اجداد از بین رفته این ماهیان، بر روی پوست خود داشته‌اند. این پولک، همچنین در ابتدای باله مخرجی و پشتی تاس ماهیان (ماهیان خاویاری) عصر حاضر مانده است. (همان مدرک، ص ۱۸۸ و ۱۸۹)

ماهیان خاویاری (تاس ماهی، فیل ماهی) از پرارزش‌ترین ماهیان شیلاتی‌اند، به گونه‌ای که دست‌کم، تمام اجزای بدن آنها مورد استفاده قرار می‌گیرد، به عنوان مثال از گوشت آنها به صورت (تازه، منجمد، شور، دودی آفتاب سوز) برای غذا، از تخم برای خاویار، از گرد یا دمار ماهی در تهیه شیرینی‌ها و از کیسه شنا برای درست کردن چسب استفاده می‌شود. (همان مدرک، ص ۲۲۵)

۲- خانواده کوسه ماهیان: پوست بدن انواع کوسه ماهیان (در جنوب ایران به کوسه ماهیان بیشتر بمبک و کولی گفته می‌شود)، از ماهیان، سفره ماهیان (در جنوب ایران به سفره ماهیان بیشتر لقمه گفته می‌شود) و ماهی شیمرا، سخت و از پولک‌های کوچک صفحه‌ای پوشیده شده است. (جانورشناسی عمومی مهره‌داران، ج ۴، ص ۳۹، به نقل از فرهنگ)

آنچه از سنگواره‌ها به دست آمده، گویای این امر است که اجداد و گونه‌های از بین رفته این ماهیان، پولک داشته‌اند. (همان مدرک، ج ۴، ص ۳۹) اسکلت خارجی که از صفحه‌های ریز مستطیلی تشکیل می‌یابد و تمام بدن و باله‌ها را می‌پوشاند، از گونه پولک‌های صفحه‌ای یا پلاکوئیدی تغییر شکل یافته‌ای هستند که گاه خار

نداشته و گاه نیز به جای خار برجستگی‌های کندی داشته‌اند. شاید بتوان این پولک‌ها را مرحله تغییر از پولک (پلاکوییدی تی پیکر) به پولک (گانوییدی) دانست. (ماهی‌شناسی و شیلات، ج ۱، ص ۱۱۸، به نقل از فرهنگ جهاد)

کوسه ماهیان ارزش اقتصادی فراوان دارند. به عنوان نمونه، از پوست آنها چرم ساغری برای کفش، کیف، جعبه جواهر و... از باله‌های آنها برای مصارف پزشکی و غذایی همچون سوپ باله، از گوشت آنها، به صورت تازه، شور و دودی آفتاب سوز، برای خوراک انسان و به صورت پودر برای غذای دام و طیور، از روغن جگر آنها برای مصارف پزشکی و درمان بیماری، سیفه برای لنجها، مصارف صنعتی همچون: سرمه سازی و... استفاده می‌شود. (آبزیان خلیج فارس، ص ۷۸، به نقل از فرهنگ جهاد)

گذشته از ماهیان نام برده شده، خانواده‌های دیگری از ماهیان غضروفی استخوانی وجود دارند که از بقایای ماهیان دیرینه‌اند. از این ماهیان که بدنی باریک و پولک‌های لوزی شکل درخشانی دارند، می‌توان به پولیپ تروس که در نواحی گرم آفریقا وجود دارد، و نیز ماهی (گالاموایکتیس)، که شبیه مارماهی است و در نیجریه و گنگو وجود دارد، اشاره داشت. (جانور شناسی، ج ۴، ص ۸۹، به نقل از فرهنگ جهاد)

از مطالبی که تاکنون بیان گردید، این حقیقت آشکار می‌شود که برخلاف آنچه در نزد بسیاری از مردم و شماری از فقیهان پنداشته می‌شود، نوع ماهیان غضروفی - استخوانی پولک دارند.

ماهیان استخوانی

بدن بیشتر ماهیان استخوانی از پولک‌های دایره‌ای یا شانه‌ای و گاه در برخی از گونه‌ها از پولک‌های لوزی درخشان پوشیده شده است. (همان مدرک، ج ۴، ص ۹۰)

از میان ماهیان استخوانی راسته گربه ماهیان (اسبله، گرزک، گلو)، اسبک ماهیان شمشیری، بچه اژدها ماهیان پولک ندارند. مارماهیان نیز دو گونه‌اند: بیشتر مارماهیان به استثنای مارماهیان رنگین نواری و مارماهی حقیقی که فلس‌های ریز آنها در زیر پوست قرار دارند، (ماهیان آب شیرین، ص ۱۲۲، به نقل از فرهنگ

جهاد) برهنه پوست هستند. سه خار ماهیان برهنه پوست و یک ردیف صفحه استخوانی دارند. سوزن ماهیان در قسمت تنه، هفت ردیف و در ساقه دمی چهار ردیف قطعه استخوانی دارند. تمام بدن ماهیان میگوی، در یک جعبه زرهی محکم شفاف تشکیل شده از صفحه‌های لحیم شده استخوانی جای دارد. بدن تیره ماهیان سنگی، بدون پولک، ولی بر جستگی‌های کوچک یا زواید پوستی ریش‌دار بر روی آن دیده می‌شود.

بدن تیره ماشه‌ماهیان و سوهان‌ماهیان به وسیله پولک‌های استخوانی سخت یا پولک‌های خاری شکل ریز پوشیده شده است.

در تیره فوکل ماهیان، بدن به وسیله خارهای کوچک یا سوزنی شکل و در تیره جوجه‌تیغی ماهیان، بدن از خارهای بزرگ متحرک یا کوتاه قوی پوشیده شده است. ماهیان وزغی شکل نیز پوستی صاف و بدون پولک دارند. (برخی از ماهیان استخوانی پولک‌دار که بیشتر در آب‌های ایران وجود دارند، عبارت‌اند از: راسته شگ‌ماهیان، راسته آزادماهیان: (ماهی آزاد و قزل‌آلا، سفیدماهیان، اردک‌ماهیان) راسته کپور ماهیان: (ماهی کپور به جز کپور چرمی که تنها در آب‌های یوگسلاوی وجود دارد)، ماهی سیم، ماش‌ماهی، فیتوفاک، ماهی سفید، شاه‌کولی، سیاه‌کولی، (سیاه‌ماهی) راسته چرب‌ماهیان، راسته کپور ماهیان دندان‌دار، راسته کفال ماهیان: (کفال ماهی و گل‌آذین ماهی) راسته سوف ماهیان: (سوف‌ماهی، گرگ‌ماهی، خورشیدماهی) راسته عقرب‌ماهیان، راسته پهن‌ماهیان، اژدرماهیان، گاوماهیان، هشینه ماهیان، سوزن‌ماهیان، ماهیان نیمه‌منقاردار، ماهیان پرنده، ماه ماهیان، سرخوماهیان، سنگسر ماهیان، بزماهیان، شهری ماهیان لب‌کلفت، پروانه ماهیان، یا حاماد ماهیان، زروک ماهیان، چارکوگ ماهیان، شقایق ماهیان، تن ماهیان، اشلمبو ماهیان، حلوا ماهیان، کوت ماهیان، راشگو ماهیان، ماهیان زنگوله‌دار، کفشک)

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با بررسی نظرات فقهای شیعه و عامه در می‌یابیم که در بین آنها دو‌گرایش در باره ماهیان وجود دارد:

نظرات فقهاء:

۱- روایی ماهیان پولک دار (مشهور فقهای امامیه)

۲- حلال بودن تمام ماهیان (فقهای عامه و گروهی از فقهای امامیه)

بنا بر نظر فقهای شیعه با توجه به ادله قرآنی، به ویژه ادله روایی، ملاک حلیت گوشت ماهی، فلس دار بودن آن است که تشخیص این ملاک بر عهده مکلفان نهاده شده است، اما از آنجا که تشخیص این ملاک مشکل و گاه غیر ممکن است، لذا عرف خاص به عنوان مرجع شناسایی این ملاک معرفی می‌شود. البته علاوه بر فلس دار بودن ماهی، تذکیه (زنده از آب گرفتن) در صید هم قابل توجه و تأکید فقها است.

امام خمینی رحمته الله علیه درباره شرایط صید ماهی می‌نویسند: «در حلال شدن ماهی، بردن نام خدا، هنگام بیرون آوردنش از آب و یا هنگام گرفتن آن بعد از بیرون افتادنش شرط نیست، همچنان که در حلیت آن، مسلمان بودن صیاد معتبر نیست، پس اگر کافر حیوان را از آب بیرون آورد و یا حیوان بیرون افتاده را زنده بگیرد، حلال است. چه اینکه کافر اهل کتاب باشد و یا غیر آن. بله، اگر ماهی بی جان را در دست کافر ببیند، خوردن آن حلال نیست، مگر آن که بداند کافر آن را قبل از مردنش از آب گرفته و یا از بیرون آب برداشته و این معنا به صرف بودن ماهی در دست کافر و نیز به صرف گفتن او احراز نمی‌شود. به خلاف اینکه ماهی در دست مسلمان دیده شود که باید حکم به حلیت آن کرد تا خلافش ثابت شود» (امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۳، کتاب صید و ذباجه، مسأله ۲۵)

و نیز در باب حلال بودن ماهی می‌نویسند: «از ماهیان هیچ نوعش به جز آنهایی که دارای فلس (پولک) است حلال نیست، و اما ماهیانی که در اصل خلقت دارای فلس‌اند، هرچند به خاطر عوارضی پولک آنها ریخته باشد، حلال‌اند، مانند ماهی‌ای که عرب آن را کنعت گوید. به طوری که در روایات آمده، حیوانی بدخلق است و بدن خود را به هر چیزی که به آن برخورد کند می‌خاراند و در نتیجه پولکش می‌ریزد. به همین جهت است که می‌بینی در زیر پرده گوشش پولک‌ها محفوظ مانده، و فرقی میان ماهیان پولک‌دار نیست، همه آنها حلال است، چه بزرگش و چه کوچکش، چه ماهی بز و بنی و شبوط و قطان و طیرامی و ابلامی و چه غیر اینها، و اما از ماهیان آنچه که در اصل خلقت فاقد پولک است، نظیر جری و زمار و زهو و

مارماهی و غیر این‌ها خوردنی نیست.» (همانجا، م ۲)
ایشان درباره روییان (میگو) می‌نویسند: «ماهی اربیان که در زبان مردم امروز روییان خوانده می‌شود، از جنس د ماهیان دارای پولک است و خوردنش جایز است.» (همان، م ۳)

با توجه به تحقیقات علمی دانشمندان، این نکته ثابت شده است که صید ماهی به روش اسلامی و خروج آن برای انسان‌ها بسیار قابل توجه است: «اگر ماهی در خارج آب بمیرد، خون مرده آن، برای انسان ضرر ندارد. چون در جوف ماهی مقداری دی‌اکسید کربن موجود است که آن را در مقاومت داخل آب یاری کرده و از گرفتن اکسیژن هوا بی‌نیاز می‌سازد و به همان اکسیژن در آب اکتفا می‌کند. بنابراین اگر در آب بمیرد، دی‌اکسید کربن در بدن او باقی مانده و برای انسان مضر است و ممکن است انسان را مسموم نماید، چنانکه دی‌اکسید کربن خود انسان نیز برای او سم است.»

علاوه بر این، ممکن است مرگ ماهی در آب به علت بیماری باشد و چون تعدادی از بیماری‌های ماهی قابل سرایت به انسان است، لذا باید از ماهی مرده در آب پرهیز کرد.

ولی هرگاه ماهی در خارج از آب بمیرد، تمام دی‌اکسید کربن که در بدن آن بوده به واسطه تبیدن در خاک از لابلای فلس‌های آن خارج می‌شود. زیرا آبی وجود ندارد که ماهی بتواند آن را در جوف خود نگه دارد. همین امر سبب می‌شود که ماهی در خارج از آب به خود بتپد و دی‌اکسید کربن را به اکسیژنی که ماهی را هلاک می‌کند، تبدیل کند و به جهت مخالفتی که اکسیژن با طبیعت ماهی دارد باعث مرگ آن شود. لکن همین اکسیژن گوشت آن را لطیف کرده و هرگونه ضرر احتمالی را از ماهی دفع می‌کند.» (امیرخانی، مجله فرهنگ جهاد، سال اول، شماره ۱، مقاله ماهی و حکم فقهی آن)

تحقیقات علمی نشان می‌دهد که فلس در ماهی، بدن ماهی را به صورت سپر حفاظت کرده و از ورود عوامل بیماری‌زا جلوگیری می‌کند. میکروب‌ها و ویروس‌ها و انگل‌ها در جاهایی که فلس نباشد، بهتر می‌توانند وارد شوند. در عین حال فلس‌ها قابل انعطاف‌اند و ماهی پولک‌دار به راحتی می‌تواند در آب خم و راست شود.

در قرآن مجید، توصیه شده که گوشت تازه مصرف شود و ماهی از جمله موجوداتی است که خیلی زود فاسد می‌شود. به گفته متخصصان، در ماهیان فاقد پولک، باکتری‌ها روی پوست و آبشش راحت‌تر می‌توانند به بدن ماهی نفوذ کنند و لذا بعد از مرگ، فساد آن را تسهیل می‌کنند. این باکتریها آنزیم ترشح می‌کنند و بعد از مرگ ماهی می‌توانند روی نسج آن اثر بگذارند. از یک عدد باکتری روی بدن ماهی بعد از ۱۶ ساعت ۴ میلیون باکتری تکثیر می‌شود.

ماهیان بدون فلس اکثراً یا مضراند یا ارزش غذایی بالا ندارند. حتی بعضی از آنها مانند ماهی فوگول دارای سموم مهلک هستند. (همانجا، سخنرانی دکتر بابا مخیر در سومین کارگاه آموزشی آبیان حلال و حرام)

نحوه قرار گرفتن فلس‌ها بر بدن ماهیان، گاه به گونه‌ای است که فلس‌های ردیف جلو، مقداری از سطح فلس‌های خلفی را می‌پوشاند؛ درست شبیه صفحات سفالی پشت بام منازل نواحی جنگلی. بدین ترتیب، فلس‌ها، پوششی مقاوم برای حفاظت از بدن ماهی‌ها در مقابل آسیب به وجود می‌آورند و در عین حال مانع تحرک آزاد و راحت آنها نمی‌گردند.

فلس‌ها، از مایعی لزج پوشانیده شده‌اند که شفاف و چسبناک بوده و مانع نفوذ مواد سمی به داخل بدن ماهی می‌گردند. براساس اظهار نظر کارشناسان، در ماهیانی که فاقد فلس بوده و یا از فلس کمتری برخوردارند، چنین ماده‌ی مخاطی مخصوصی ترشح نمی‌شود.

بنابراین ماهیان بدون فلس، مواد رادیواکتیویته بیشتری را نسبت به ماهیان فلس‌دار جذب کرده و در نتیجه انگل‌ها و باکتری‌ها بیشتری می‌توانند از سطح پوست آنها عبور کنند.

لذا فلس‌دار بودن ماهی، یکی از مهمترین و بهترین معیارهایی است که می‌توان برای حلیت گوشت ماهی ارائه کرد و اسناد شرعی و همچنین نظر کارشناسان نیز مؤید همین دیدگاه است.

منابع:

- قرآن کریم

الف) منابع شیعی:

- ابراهیم بن سلیمان. ۱۴۱۳ق. السراج الوهاج. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، در یک جلد، ص ۵۶.
- ابراهیم، مصطفی و دیگران. ۱۳۸۲. معجم الوسيط. تهران: ج ۲، ص ۷۵۶.
- ابن رشد. ابو الولید محمد بن احمد. ۱۴۰۹ق. بداية المجتهد ونهاية المقتصد. بیروت: چاپ طه، عبدالرؤوف سعد. ج ۴، ص ۱۱۰، ۱۱۱.
- ابن فارس. ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریا. ۱۴۰۴ق. معجم مقانیس اللغة. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۶ جلد.
- ابن قدامه. ۱۴۰۰ق. المغنی. بیروت: ج ۱۱، ص ۸۴.
- ابن منظور. جمال الدین محمد. ۱۴۰۵ق. لسان العرب. قم: نشر ادب الحوزه، ج ۲، ص ۲۶، ج ۹، ص ۲۳۶.
- احسایی. ابن ابی جمهور. محمد بن علی. ۱۴۰۵ق. عوالي اللئالی العزیزیه. قم: چاپ دار سید الشهداء، ج ۲، ص ۳۲۱، ح ۱۳.
- احمد بن محمد. ۱۴۰۳ق. مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۱۱، ص ۱۸۷، ۱۹۰.
- آخوند خراسانی. محمد کاظم بن حسین. ۱۴۱۷ق. کفایة الاصول. قم: ج ۱، ص ۳۳۰.
- استر آبادی. محمد امین بن محمد. ۱۳۲۱ق. الفوائد المدنیة. تبریز: چاپ سنگی، ج ۱، ص ۲۸.
- اسماعیل بن حماد. ۱۳۶۸ش. الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة. ذیل واژه. بیروت: چاپ عبدالغفور عطار، چاپ افست.
- اصفهانی. مجلسی دوم. محمد باقر بن محمد تقی. ۱۴۱۰ق. بحار الأنوار. بیروت: چاپ مؤسسه الطبع و النشر، ۳۳ جلد، ج ۶، ص ۲۱۱، ج ۵، ص ۳۲۳.
- اصفهانی. حسین بن محمد راغب. ق. مفردات ألفاظ القرآن. لبنان: چاپ دار العلم، ص ۸۹ - ۸۷.
- اصفهانی. رازی نجفی. محمد تقی. ۱۴۲۷ق. تبصرة الفقهاء. قم: مجمع الذخائر الاسلامیه، ج ۲، ص ۲۴۵.
- اقصی. رضا. ۱۳۵۶. دایرة المعارف فارسی. تهران: چاپ موسسه انتشارات فرانکلین،

- ص ۴۷۵.
- امام خمینی. سید روح‌الله موسوی. ۱۴۲۱ ق. کتاب البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۵ جلد، ج ۱، ص ۹۴.
- امام خمینی. سید روح‌الله موسوی. ۱۴۲۳ ق. ولایت فقیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، یک جلد، ص ۵۸.
- امام خمینی. سید روح‌الله موسوی. ۱۴۲۲ ق. استفتاءات. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۳ جلد، ج ۱، ص ۲۱.
- امام خمینی. سید روح‌الله موسوی. تحریر الوسیله. قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم، ج ۲، ص ۱۳۷.
- امام خمینی. سید روح‌الله موسوی. ۱۳۷۹. لمحات الاصول. قم: تقریرات درس آیت الله بروجردی، ج ۱، ص ۴۱۲، ۴۱۱.
- آملی. میرزا محمدتقی. ۱۳۸۰. مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی. تهران: مؤلف، ج ۳، ص ۷۷.
- انصاری. مرتضی بن محمد امین. ۱۴۲۷ ق. فرائد الاصول. قم: چاپ افست، ج ۲، ص ۱۲.
- ایروانی. باقر. ۱۴۲۷ ق. دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی علی المذهب الجعفری. قم: ۳ جلد، ج ۱، ص ۵۹.
- تبریزی. جعفر سبحانی. ۱۴۱۹ ق. مصادر الفقه الإسلامی و منابعه. بیروت: دارالاضواء، ج ۱، ص ۱۸۸.
- جاحظ. عمر بن بحر. الحیوان. بیروت: دار الکتب العلمیه، ج ۱، ص ۲۳۵.
- جرجانی. سید امیر ابوالفتح حسینی. ۱۴۰۴ ق. تفسیر شاهی. تهران: انتشارات نوید، ۲ جلد، ج ۲، ص ۵۴۲.
- جمال‌الدین احمد بن محمد اسدی. ۱۴۰۷ ق. المهذب البارع فی شرح المختصر النافع. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۵ جلد، ج ۴، ص ۱۹۰.
- حائری. سید علی بن محمد طباطبایی. ۱۴۱۸ ق. ریاض المسائل. قم: مؤسسه آل‌البتین، ۱۶ جلد، ج ۲، ص ۲۷۹، ۲۸۰.
- حسینی سیستانی. علی. ۱۴۱۷ ق. منهاج الصالحین العبادات. قم: دفتر آیت الله سیستانی، ج ۲ و ۳.
- حکیم. محمدتقی. ۱۴۱۸ ق. الاصول العامة للفقه المقارن. قم: ج ۱، ص ۵۴ - ۵۱.
- حلبی. تقی نجم ابوالصلاح. ۱۳۶۲. الکافی فی الفقه. اصفهان: چاپ رضا استادی، ج ۱، ص ۲۲۱.
- حلی. مقداد بن عبدالله سیوری. مترجم: بخشایشی. عبدالرحیم عقیقی. کنز العرفان فی فقه

- القرآن. قم: ج ۲، ص ۳۰۱.
- حلی. حسن بن یوسف. ۱۴۰۴ ق. مبادی الوصول الى علم الاصول. قم: چاپ عبدالحسین محمدعلی بقال، ج ۱، ص ۸۷.
- حلی. ابن ادريس. ۱۴۱۱ ق. السرائر الحاوي لتحرير الفتاوي. قم: ج ۳، ص ۸۹.
- حلی. حسن بن یوسف. ۱۳۷۵. مختلف الشیعه في الاحكام الشریعه. قم: ج ۸، ص ۳۰۵.
- خراسانی. محمود بن عبدالسلام تربتی شهابی. ۴۱۷ ق. ادوار فقه. تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ج ۳، جلد ۲، ص ۲۰۹.
- دهخدا. علی اکبر. ۱۳۳۲. لغت نامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه، ج ۳۷، ص ۲۹۴.
- رازی اصفهانی. محمدتقی بن عبدالرحیم. ۱۴۲۱ ق. هداية المسترشدين في شرح اصول معالم الدين. قم: ج ۱، ص ۵۹-۶۰.
- زیدان. جرجی. ۱۳۶۹. تاریخ تمدن اسلام. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سید عبدالاعلی. ۱۳۹۶ ق. مهذب الاحكام في بيان الحلال والحرام (محقق حلی). نجف: مطبعة الاداب، ج ۲۷، ص ۱۱۷.
- شیخ بهایی. محمد بن حسین. ۱۳۸۱. زیادة الاصول. قم: چاپ فارس حسون کریم، جلد ۱، ص ۶۲.
- شیخ حسین. ۱۳۷۹ ق. دلیل العروة الوثقی. مطبعة النجف، ج ۱، ص ۳۷۶.
- صافی گلپایگانی. لطف الله. ۲۹۸ ق. جامع الاحكام. قم: دفتر نشر آیت الله حاج علی صافی گلپایگانی، ج ۲.
- صدر. محمدباقر. ۴۰۸ ق. دروس في علم الاصول. قم: ج ۱، ص ۱۳.
- طوسی. ابو جعفر. محمد بن حسن. ۱۳۹۰ ق. الاستبصار فيما اختلف من الأخبار. تهران: دار الکتب الإسلامية، جلد ۴.
- طوسی. ابو جعفر. محمد بن حسن. ۴۰۷ ق. الخلاف. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، جلد ۶.
- طوسی. ابو جعفر محمد بن حسن. ۴۰۷ ق. تهذیب الأحكام، تهران: دار الکتب الإسلامية، ج ۹، ص ۵.
- طوسی. ابو جعفر. محمد بن حسن. المبسوط في فقه الامامیه. تهران: چاپ محمد باقر بهبودی، جلد ۶.
- طوسی. ابو جعفر محمد بن حسن. ۴۰۰ ق. النهاية في مجرد الفقه والفتاوي. تهران: انتشارات دار الکتب العربی، ج ۶، ص ۵۷.
- عاملی. شهید ثانی. زین الدین بن علی. ۴۱۳ ق. مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام. قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، جلد ۱۵، ص ۱۲ و ۱۳.

- عاملی. شهید ثانی. زین الدین بن علی. ۱۴۱۰ق. الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية. قم: کتابفروشی داوری، ۱۰جلد، ج ۷، ص ۲۴۱ و ج ۲، ص ۱۱۵..
- عاملی. حر. محمد بن حسن. ۱۴۰۹ق. وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۳۰جلد، ج ۲۴، ص ۲۱۳.
- عبدالحق قطیعی. صفی الدین عبدالمومن. ۱۴۲۸ق. قواعد الاصول و معاهد الفصول. ریاض، جلد ۱، ص ۳۲-۲۹.
- عبدالناصر. جمال. موسوعه في الفقه الاسلامي. ج ۱، ص ۹.
- عقیقی بخشایشی. عبدالرحیم. ۱۳۷۲. فقهای نامدار شیعه. قم: ص ۶ و ۷.
- علامه طباطبایی. محمد حسین. ۱۴۱۷ق. المیزان في تفسير القرآن. قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۸جلد، ج ۶، ص ۲۱۳.
- فخر الدین بن محمد. ۱۳۶۲. مجمع البحرین. تهران: چاپ احمد حسینی، ج ۲، ص ۲۴۵-۲۴۳.
- فراهیدی. خلیل بن احمد. ۱۴۱۰ق. کتاب العین. قم: نشر هجرت، ۸جلد، ج ۳، ص ۲۸۲.
- قطب راوندی. سعید بن هبه الله. ۱۴۱۰ق. فقه القرآن. بیروت: دار التراث، ج ۱، ص ۱۱۸.
- قمی. صدوق. محمد بن علی بن بابویه. ۱۴۱۵ق. المقنع (للشیخ صدوق). قم: مؤسسه امام هادی علیه السلام، ج ۱، ص ۴۱۶.
- کاظمی. جواد. ۱۳۸۹ق. مسالك الأفهام إلى آیات الأحكام. قم: مرتضوی، ج ۴، ص ۱۴۱.
- کاظمی خراسانی. محمد علی. ۱۴۲۱ق. فوائد الاصول. قم: تقریرات درس آیت الله نائینی، ج ۴، ص ۳۴۸.
- لویس معلوف. ۱۳۶۲. المنجد في اللغة والاعلام. تهران: ص ۶۳.
- مجله فرهنگ جهاد، سال اول، شماره ۱، مقاله ماهی و حکم فقهی آن.
- محقق. ابوالقاسم نجم الدین. جعفر بن حسن. ۱۴۰۸ق. شرایع الاسلام في مسائل الحلال والحرام. قم: مؤسسه اسماعیلیان، ج ۳، ص ۲۱۷.
- محمدرضا. دانش مسلمین. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۳۱۰-۲۸۹.
- محمد. ۱۳۷۸. پژوهش تطبیقی در احکام فقهی ذبح. تهران: وزارت جهاد سازندگی نمایندگی ولی فقیه. مرکز مطالعاتی و تحقیقات، ص ۱۴۰-۱۳۹.
- محمد بن عوض مرعب. ۲۰۱۰م. تهذیب اللغة. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، ج ۴، ذیل واژه.
- مسعود بن عمر. ۱۹۷۵م. حاشیه شرح التلویح علی التوضیح لمتن التنقیح فی اصول الفقه. بیروت: چاپ افست، جلد ۲، ص ۱۲۲.
- مشکینی. علی. ۱۳۷۹. اصطلاحات الاصول و معظم ابحاثها. قم، ج ۱، ص ۱۶۴.

- مطهری. مرتضی. ۱۳۶۲. خدمات متقابل اسلام و ایران. تهران: انتشارات صدرا، ج ۲، ص ۴۲۷.
- مظفر. محمد رضا. ۱۴۲۰ق. اصول الفقه. قم: چاپ افست، ج ۲، ص ۱۷۱.
- معین. محمد، ۱۳۸. فرهنگ فارسی. تهران: امیر کبیر، ج ۲، ص ۲۵۶.
- مکارم شیرازی. ناصر. استفتائات جدید. جلد اول. ابوالقاسم علیان نژادی.
- مکارم شیرازی. ناصر. تفسیر نمونه.
- مکی. محمد. ۱۳۹۹. القواعد والفوائد. نجف: چاپ عبدالهادی حکیم، قسم ۱، ص ۳۳.
- موسوی بجنوردی. حسن. ۱۴۲۰ق. القواعد الفقهیه. قم: چاپ افست، ج ۵، ص ۲۰۷.
- موسوی. احمد. جامع المدارک فی شرح المختصر النافع. تهران: انتشارات مکتبه الصدوق، ج ۲، ص ۲۵۱، ج ۵، ص ۱۴۰.
- نجفی. صاحب الجواهر. محمد حسن. ۱۴۰۴ق. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۳۶، ص ۲۵۰-۲۴۳.
- نراقی. مولی احمد بن محمد مهدی. ۱۴۱۵ق. مستند الشیعة فی أحكام الشریعة. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ج ۱۹، ص ۲۷۵.
- نرم افزار جامع فقه اهل بیت علیهم السلام، ۲، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- هاشمی خمینی. محمد بن حسن. ۱۳۷۸. قم: توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۵۷۳- ۵۵۲.

- وهبه مطفی. ۱۴۰۹ق. الفقه الاسلامي وادلته. دمشق: ج ۱، ص ۹.

ب) منابع اهل تسنن

- الجزیری. عبدالرحمان و یاسر مازح. السيد محمد. ۱۴۲۶ق. الفقه علي المذاهب الاربعه. بیروت: المكتبة العصرية، ج ۱، ص ۴۰۰ و ج ۲، ص ۵.
- الشریینی. شمس الدین محمد بن احمد. ۹۷۷ق و ۱۵۵۷م. مغنی المحتاج الی معرفة معانی الفاظ المنهاج (مذهب فقه شافعی). ریاض: الطبعة المتعدده، دارالکتب العلمیه، ج ۴، ص ۲۹۷.
- خلاف. عبدالوهاب. ۱۹۸۴م. علم اصول الفقه. قاهره: چاپ مکتبه الدعوه - شباب الازهر، ج ۲، ص ۱۱۳.
- سیوطی. عبدالرحمن بن ابو بکر. قرن نهم. الدر المنثور فی تفسیر المأثور (تفاسیر اهل سنت)، قاهره: شباب الازهر، ج ۱، ص ۳۳۱.
- نرم افزار المكتبة الشاملة ۶۱/۳.